

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (صص ۲۵۱-۲۶۶)

بازتاب فرهنگ و اندیشه‌های ایرانی در دیوان بینش کشمیری

سهیلا مرادقلی^۱ زهرا اختیاری^۲

چکیده

ادبیات فارسی یکی از دوران‌های مهم تحول و شکوفایی خود را در شبه‌قاره و سرزمین هند سپری کرده است. میرجعفر بیگ بینش کشمیری (وفات حدود ۱۱۰۰ ه.ق.) یکی از نام‌آوران ناشناخته دوره تیموریان هند است که دیوان وی تا به امروز تصحیح نشده است. اگرچه بینش متولد کشمیر بوده و سرزمین ایران را هیچ‌گاه به چشم ندیده است؛ اما برای درک صحیح، فهم و شناخت وی و آثارش باید محتوای فکری و اندیشگانی شعرش را واکاوی کرد؛ به‌همین دلیل به بررسی برخی زوایای پنهان در شعر بینش، به‌لحاظ اندیشه‌های نهفته ایرانی پرداخته می‌شود؛ تا از این طریق موجبات شناخت بهتر شاعر و همچنین شناخت بیشتر فرهنگ و تاریخ ایرانی در دوره تیموری فراهم آید. آنچه تبیین شد، نشان از اشراف بینش، بر زبان و فرهنگ ایران‌زمین دارد. ذکر برخی شهرها و اماکن جغرافیایی سرزمین ایران و رسوم چون جشن‌های نوروزی و باورهای فرهنگ ایرانی و زبان و اصطلاحات رایج عامیانه در اشعار بینش، همه نشانگر شناخت عمیق شاعر از ایران است که موجب به تصویر درآوردن غیرمستقیم گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی و فکری زمانه تیموریان هند شده است. پرسش اصلی این است شاعری که تمام عمر خود را در منطقه کشمیر و هند سپری کرده، چرا و چگونه اندیشه‌های او تماماً ایرانی است؟ روش پژوهش این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی با استناد به ابزار کتابخانه‌ای و همچنین براساس شیوه یادداشت‌برداری از منابع و آثار بینش کشمیری است.

واژه‌های کلیدی: بینش کشمیری، فرهنگ، اندیشه‌های ایرانی، دیوان بینش، شبه‌قاره.

۱. دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
Email: ekhtiari@um.ac.ir

۱- مقدمه

ادبیات فارسی یکی از دوران مهم تحول خود را در شبه‌قاره و سرزمین هند سپری کرده تا جایی که هنوز تعداد کتاب‌ها و نسخ خطی فارسی موجود در سرزمین هند، نزدیک به تمام نسخه‌های خطی موجود در ایران است. جایگاه زبان فارسی در شبه‌قاره‌ای که قرن‌ها زبان اصلی و رسمی و محمل تفکر و فرهنگ اسلامی- ایرانی بوده، بسیار والا و ارزشمند است و تحقیق در خصوص شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان آن دوره که آثار گران‌سنگی به نظم و نثر از خود به یادگار گذارده‌اند، امری است واجب و اجتناب‌ناپذیر؛ چراکه ابهت امروز زبان فارسی در منطقه شبه‌قاره را مدیون آنانی هستیم که فراموش‌شدگان هستند و شاید نامی از آنان، حتی در تاریخ ادبیات‌هایمان نیز ذکر نشده باشد. میرجعفر بیگ بینش کشمیری (وفات حدود ۱۱۰۰ه.ق.) یکی از نام‌آوران است که تحقیق متقنی درباره اندیشه‌های ایرانی و خودباوری وی ارائه نشده است. ضروری است برای شناخت بیشتر وی، اندیشه‌های فکری شاعر بررسی شود؛ چراکه زبان در هر دوره و در هر سطح، تحت‌تأثیر همین اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌هاست.

ایدئولوژی عبارت است از: «نظامی از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی‌ها که نگرش‌های اجتماعی- سیاسی و اعمال یک گروه، یک طبقه اجتماعی یا جامعه را در حکم یک کل، هدایت می‌کند» (Noth, 2004: 148). در واقع باورهای فردی است که با توجه به هر دوره از زمان، آرام و به تدریج آموخته می‌شود و تفکر، تکلم، ادراک و استدلال‌های فردی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و دگرگون می‌سازد. بینش کشمیری، شاعر کشمیری فارسی‌زبان، همچون آینه‌داری، بازتاب‌کننده اندیشه‌ها و باورهای ایرانی است که در ناخودآگاه او نقش بسته است؛ بنابراین بررسی محتوای فکری بینش کشمیری، بر یافته‌های تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانی در دوره تیموری می‌افزاید و شاید این نوع پژوهش‌ها موجبات وصل حلقه‌های گسسته تعاملات و اشتراکات بین ایران و سرزمین شبه‌قاره را مهیا سازد.

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

بینش کشمیری، اهل کشمیر بود و در آن جغرافیا می‌زیست. وی هیچ‌گاه سرزمین ایران را به چشم ندید؛ اما کاملاً مختصات فکری و فرهنگی ایرانی در شعر او مشهود است. این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که چرا شاعری که تمام عمر خود را در منطقه کشمیر و هند سپری کرده است، اندیشه‌های او تماماً ایرانی است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

ریشه و تاروپود زبان اصلی سرزمین شبه‌قاره، زبان باصلابت و شیوای فارسی بوده است. معرفی بینش کشمیری به‌عنوان یکی از بزرگان فارسی‌زبان آن منطقه که حق و جایگاه‌شان به‌درستی ادا نشده، امری است واجب و اجتناب‌ناپذیر. از آنجایی که شاعران، آینه‌داران زمان و اندیشه‌های جامعه خویش اند و شعر آنان منبعی است دست اول، بنابراین تحقیق در زندگی، محتوا و اندیشه‌های شعری بینش کشمیری، از حیث فرهنگی و تاریخی نیز اهمیت بسزایی دارد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

روش پژوهش در این مقاله به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده و استناد به ابزار کتابخانه‌ای و همچنین براساس شیوه‌یادداشت‌برداری از منابع و آثار بینش کشمیری است. در این پژوهش پس از دستیابی به نسخ موجود اثر و یادداشت‌برداری از نکات لازم، همچنین مطالعه در کتب تذکره و تاریخ ادبیات، به معرفی شاعر و بررسی مضامین شعری وی پرداخته شده است. سپس با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی معتبر، اندیشه‌های سیاسی، فرهنگی و هنری در دوره تیموری بررسی شد و بازتاب آن در شعر بینش مورد واکاوی قرار گرفت. از آنجایی که پژوهش حاضر از دست‌نوشته‌های خطی اثر انجام گرفته است؛ هر جا بیتی از بینش شاهد آورده می‌شود، به جای شماره صفحه، شماره برگ ذکر شده است. لازم به ذکر است نمونه بیت‌ها از کلیات وی، موجود در کتابخانه موزه بریتانیا آورده شده است. نسخه خطی بریتانیا قدیم‌ترین و معتبرترین نسخه خطی از آثار بینش است. این نسخه کلیات یا کلیه آثار بینش را دربر دارد. در پایان مقاله به معرفی نسخه‌ها پرداخته شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

تاکنون در مورد اندیشه‌ها و به‌ویژه ایران‌گرایی بینش کشمیری هیچ‌گونه پژوهشی ارائه نشده است. تذکره‌ها به‌ویژه تذکره شعرای کشمیر از اصلح‌بن‌سالم کشمیری (۱۳۴۶) و دانشنامه‌ها به‌خصوص دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره زیرنظر حسن انوشه (۱۳۸۰) و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۳) و تاریخ ادبیات در ایران از ذبیح‌الله صفا (۱۳۶۴: ۵/۲) در مورد بینش بخش کوتاهی دارند و به زندگی‌نامه مختصری از شاعر بسنده کرده‌اند. نیز بر دیوان شعرش (قصاید، غزلیات شاعر) هیچ تحقیق و تصحیحی صورت نگرفته است. فقط یکی از پنج مثنوی بینش به نام رشته

گوهر در سال ۱۳۹۲ به اهتمام یوسف اسماعیل‌زاده تصحیح و در نشر رخسار صبح منتشر شده است. مقاله‌ای در مورد زندگی، ممدوحان، آثار و برخی نکات بدیعی در شعر بینش نوشته شده است (اختیاری؛ مرادقلی، ۱۳۹۷: ۲۰-۱)؛ اما پرداختن به بازتاب اندیشه‌های ایرانی در شعر بینش مسئله جدیدی است که تاکنون به‌طور جدی مورد پژوهش قرار نگرفته است. در این جستار، محتوای فکری و اندیشگانی بینش و بازتاب آن در شعرش تحلیل و بررسی شده است.

۲- زندگی‌نامه بینش

میرجعفر بیگ، متخلص به بینش، شاعری است ایرانی-هندی که در قرن یازدهم هجری می‌زیست. اجداد او از ایران به کشمیر مهاجرت کردند و ادامه عمر خود را در آنجا سپری کردند. بینش در آن سرزمین متولد شد (Routledge, 164-165:1990). سال تولد بینش در هیچ منبعی یافت نشد. بینش تحصیلات خود را در کشمیر گذراند و در دوره محمدطاهر صف‌شکن در حدود سال ۱۰۷۴ همراه او به شاه‌جهان آباد منتقل شد (شریفی، ۱۳۸۷: ۳۳۹). آنچه مسلم است، در اواخر دوره پادشاهی شاه‌جهان و مقارن با پادشاهی اورنگ‌زیب عالمگیر بوده است.

بینش کشمیری پس از تسلط بر علوم مختلف، شاعری و سرودن شعر را آغاز کرد. از جمله کسانی که با بینش کشمیری هم‌عصر بودند، محمدافضل سرخوش است. سرخوش کسی است که تذکره‌نامه خود را حدود ۱۱۰۰ه.ق. نوشته است (صفا، ۵/۲، ۱۳۶۴: ۱۳۲۱). با اینکه وی با بینش در یک زمان زندگی می‌کرده، اما زندگی‌نامه مفصلی از شاعر نیاورده است. خوشگو شعر بینش را به صفات «تازگی و نازکی» ستوده است (خوشگو، ۱۳۸۹: ۱۳۶). بینش مجدداً در پایان عمر به کشمیر بازگشت و در کشمیر درگذشت (مهروش، ۱۳۸۳: ۴۶۱؛ تیکو، ۱۳۴۲: ۱۳۲). گوپاموی وفات بینش را در حدود سال ۱۱۰۰ هجری نوشته است (گوپاموی، ۱۳۳۶: ۱۰۹).

۲-۱- مذهب بینش

با آنکه در هیچ منبعی از شیعه یا سنی بودن بینش، سخنی نیامده، احتمالاً وی به مذهب شیعه اعتقاد داشته و در اشعارش بسیار از حضرت علی^(ع) سخن گفته است. همچنین آنجا که اشعار مدحی در وصف امام رضا^(ع) سروده و در برخی، محشر عاشورا را یاد کرده، کاملاً شیعه‌گرایی شاعر مشهود است، اما نه شیعه متعصب؛ چراکه علاوه بر قصاید، در مثنوی‌های گلدسته، فصل چهارم از بیت ۵ تا ۱۴۸ و در مثنوی شور خیال، از بیت ۶۴۳ تا ۶۸۵ خلفای راشدین را به ترتیب ستایش کرده است و هر یک را با صفتی که به آن مشهور هستند نام برده است. در نهایت همه صفات را در

حضرت علی^(ع) جمع دیده و به وی اقتدا می‌کند. البته نباید از نظر دور داشت که در شبه‌قاره تعصبی در میان شاعران وجود نداشته است و اغلب شاعران اهل سنت نیز به ستایش اهل بیت پرداخته‌اند. با این تفصیل احتمال دارد با تساهل و تسامح در دربار پادشاه وقت، اورنگ‌زیب، به سر برده باشد. قصاید اول و دوم بینش در مدح امام رضا^(ع) سروده شده و قصاید سوم و پنجم وی، در مدح حضرت علی^(ع) است. از جمله:

نبودی گبر نبوت ختم احمد
علی بودی نبی بعد از محمد
به ذات مرتضی آن عز و شأن است
که فخر خضر و پیر چل تنان است

(بینش، بی‌تا: [۱۴۹-پ])

گشود قلعه خیر چنان به آسانی
که خم نگشت به دستش هلال وار انگشت
به روز رزم ز آشوب چین ابرویش
به زینهار برآورده ذوالفقار انگشت

(بینش، بی‌تا: [۱۸۲-ر] ۲-۲- معرفی مختصر آثار شاعر)

کلیات بینش یا همان مجموعه آثار وی شامل غزلیات و قصاید و مثنوی‌های شاعر است. نسخه بریتانیا به شماره Egerton ۷۰۵ حدود ۷۰۰۰ بیت است. این نسخه شامل کلیات بینش یا کلیه آثار بینش از قصیده، غزل، مثنوی و جز آن است. بینش علاوه بر قصیده و غزل، در مثنوی سرایی نیز تبحر داشته و پنج مثنوی به تقلید از خمسه نظامی از وی به جای مانده است؛ به نام‌های بینش ابصار، گنج روان، گلدسته، شور خیال، رشته گوهر (رک. اختیاری؛ مرادقلی، ۱۳۹۷: ۹-۵).

مثنوی دیگری به نام جواهرنامه به بینش منسوب است (Routledge, 1990, 164-165).

۲-۳- فرهنگ و اندیشه‌های ایرانی در شعر بینش

یکی از پیامدهای مهم حکومت تیموریان هند، گسترش پاره‌ای از وجوه فرهنگ و تمدن ایرانی در شبه‌قاره هند است. این امر بدان سبب حائز اهمیت بوده که تیمور، جد اعلای این سلسله، توجه خاصی به حفظ موازین ترکی-مغولی و برتری دادن ترکان جغتایی بر اتباع ایرانی داشته است (آژند، ۱۳۸۳: ۸۲۵). بعد از مرگ تیمور، تعدادی از فرزندان و نوادگانش از مشی سیاسی و فرهنگی او فاصله گرفتند و شیفته فرهنگ، هنر، ادبیات و علوم ایرانی شدند (رازپوش، ۱۳۸۳: ۸۳۴). بابر و شماری از شاهان بعدی سلسله تیموریان هند، از جمله شاه‌جهان و اورنگ‌زیب، شاهرادگانی بودند که به مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی علاقه‌مند شدند. این بینش و طرز تفکر، هم زمینه ورود مهاجران ایرانی به مشاغل مهم اداری و نظامی تیموریان هند را فراهم کرد و هم برخی از مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی را در آن سرزمین رایج و گسترش داد.

بینش کشمیری شاعر هندی- ایرانی است که با وجود آنکه سرزمین ایران را حتی یک بار هم به چشم ندیده؛ اما ایرانی‌سرای و ایرانی‌گرایی وی در اشعارش کاملاً مشهود است. به طوری که حتی یک واژه هندی در دیوانش یافت نشد.

بر اصطلاحات، ترکیبات و کنایاتی که در شعرش به کار برده، تماماً ایرانیست حاکم است و بدون شک، نشأت‌گرفته از افکار و اندیشه‌های یک ایران‌دوست به تمام معنا است که تکلم، ادراک و استدلال‌های فردی شاعر کشمیری را تحت‌الشعاع قرار داده است. چند مورد آن به مصداق «مشت نمونه خروار» در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است:

۲-۳-۱- علاقه‌مندی شاعر به سرزمین آبا و اجدادی

یکی از ویژگی‌های شعری بینش، به‌کارگیری جغرافیای ایرانی در توصیفات و تشبیهات وی است. اینکه شاعر حتی یک سفر نیز به ایران نداشته و در اشعار خود بارها از برخی شهرها و اماکن جغرافیایی سرزمین ایران یاد کرده است، نشان از علاقه‌مندی و معطوف‌بودن افکار شاعر بر آن دیار و ساکنان سرزمین آبا و اجدادی خویش است. بینش همچون کسی است که زاده ایران بوده، سالیان زیاد در آن سرزمین زندگی کرده و سفرهای زیادی به شهرهای مختلفش داشته و از شهرهای ایران به‌وفور در شعرش یاد کرده است؛ در صورتی که او سرزمین ایران را به چشم ندیده است. «در کلمات و اصطلاحات، جمله‌بندی‌ها و تشبیهات و استعارات شعر وی، همه ایرانیست کارفرماست و در هیچ موقع هرگز معلوم نمی‌شود که این اشعار از شاعر کشمیری است؛ کشمیری‌ای که سرزمین ایران را حتی از دور هم ندیده است» (یزدانی، ۱۳۷۲: ۳۲۰ و ۳۲۱).

اگرچه «او هرگز ایران را ندیده بود» (انوشه، ۱۳۸۰، ۴: ۵۶۸)؛ وی از شهرهای مازندران، همچون ساری، فرح‌آباد و رستم‌دار، آمل، بارفروش و صفی‌آباد یاد کرده است. علاوه بر آن، از شهرها و مکان‌هایی نظیر شیراز و شاه‌چراغ، اصفهان، تبریز، همدان، قم، کاشان، ساوه، قزوین، ری، تهران، اردبیل، گنجه، سبزووار، نیشابور، مشهد، قائن، کرمان، سیستان، هرات، قندهار، رشت، لاهیجان، استرآباد و فرح‌آباد نیز نام برده است.

مازندران:

مثال مازندران دیار کجاست که به هر موسمی بهشت نماست
(بینش: بی تا [۲۰۶- ر])

شهر ساری، فرح‌آباد، آمل و صفی‌آباد:

شهر ساری تمام خاک مراد که بود اشرف از فرح‌آباد

نیست یک قطعه خوشتر از آمل باشد از شش جهت حصارش گل
صفی‌آباد بر سر کھسار خوش‌نما چون شفق ز ابر بهار
 ([بینش، بی تا: ۲۰۷-پ])

رود ارس:

بر دیده در یاد من پل نتوان بست چشم و دل بینش بود این رود ارس نیست
 (همان: [۶۱-پ])

کوه الوند:

گرفته بی‌کمر نازکی دلم بینش که باز دوری او همچو کوه الوند است
 (همان: [۵۳-پ])

شیراز و شاهچراغ:

ز بس بینش به پرواز نشاط از شوق شیرازم پر پروانه و شاهچراغ می‌توان گفتن
 (همان: [۲۱۵-پ])

کرمان:

خاک کشمیر از دعاگویان کرمان بس که شد چون لسان‌الارض دارد خواهش مدحتگری
 (همان: [۱۹۶ر])

۲-۳-۲- به کارگیری لغات و اصطلاحات عامه ایرانی

درک عمیق، دقیق و کاربرد سنجیده مفاهیم و اصطلاحات ایرانی در شعر بینش، علاوه بر آنکه بر توان و غنای شعر وی افزوده، نمایانگر تسلط و اشراف او بر فرهنگ، زبان و دانش ایرانی در کلامش است؛ همچنین موجب تأثیرگذارتر شدن هرچه بیشتر سخن وی شده است.

به نظر می‌رسد خانواده و اطرافیان او که مقیم هند بودند و به‌ویژه مادرش، از تعابیر رایج در ایران استفاده می‌کردند که این تعبیرها و اصطلاح‌ها ملکه ذهن شاعر شده و در شعر به شیوایی از آن‌ها استفاده کرده است. به کارگیری این لغات و اصطلاحات و جای‌گیری مناسب آن در جای‌جای اشعار بینش، علاوه بر قرارگرفتن در خانواده‌ای که به فرهنگ اصلی یا ایرانی خود بها می‌دادند، نشان از خودباوری شاعر و اشراف و تسلط کامل شاعر بر زبان و فرهنگ ایران‌زمین دارد. چنین تسلطی حاصل نمی‌شود، مگر با مطالعه فراوان و وجود انگیزه‌ای وافر برای فراگیری آن، که قطعاً اشعار بینش، گواهی بر این علاقه‌مندی است. وجود تعبیرها، ترکیب‌ها و اصطلاحاتی

زیبا در شعر بینش نظیر آنچه در پی می‌آید، گواه میل و اعتماد او به فرهنگ و سرزمین مادری خویش، ایران، است:

کاری از آب خوردن آسان‌تر بودن: (امروزه نیز برای نشان‌دادن آسانی و راحتی کاری، مابین اشخاص رد و بدل می‌شود.)

بود به پیش من از آب خوردن آسان‌تر به پای تیغ تو ایشار نقد جان کردن

(بینش، بی تا: [۲۲۵-پ])

سیر درد دل کردن: یا درد دلی سیر می‌توان کردن: (یعنی از اندوه و راز خود با دیگری گفتن تا حد به‌دست آوردن رضایت خاطر.)

به کوی او ز گلشن می‌برم پیغام بلبل را که پیش گل‌رخان درد دلی سیر می‌توان کردن

(همان: [۲۲۸-ر])

جان به لب رسیدن: (از فرط اندوه و ناراحتی به جان آمدن.)

جان به لب می‌رسدم گر هوس خنده کنم صبحم و شادی ایام به من دشوارست

(همان: [۷-ر])

دل گرو گذاشتن: (این اصطلاح به معنای ضمانت و امانت گذاشتن چیزی با ارزش است.)

کی بود خانه خرابان تو را سامانی دل گذارند گرو تا غم دلبر گیرند

(همان: [۸۹-پ])

چیزی به کام کسی گردیدن: (یا به کام گردیدن فلک: یعنی همه چیز موافق با خواست و آرزوی کسی قرار گرفتن و پیش رفتن.)

فلک گویا به کام چشم بیمار تو می‌گردد که از هر گردش او حلقه ماتم شود پیدا

(بینش، بی تا: [۲۲۴-ر])

دست و دل کسی از کار شدن: (بی‌میل و رغبت شدن. دست و دل از کار رفتن یا از کار شدن یعنی بی‌میل شدن.)

بر هر طرف که همچو نسیم صبا گذشت چون برگ لاله دست و دل از کار شد مرا

(بینش، بی تا: [۵-پ])

سر کسی بی کلاه ماندن: (این تعبیر امروزه در معنای بی نصیب و محروم ماندن تداول دارد. البته در اینجا به بریدن سر شمع نیز نظر دارد).

از بس هوای وادی شوق تو بود گرم
مانند شمع کُشته سرم بی کلاه ماند
(همان: [۱۲۹-پ])

از ذکر سایر مثال‌ها خودداری و فقط به برخی دیگر از تعبیرها اشاره می‌شود:

هوای کسی را داشتن: ۱۰۵؛ نیش زبون، در عوض: ۱۰۲، ۷۴؛ امروز فردا کردن، وانمود کردن: ۱۴۸؛ کار دل تمام شدن: ۴۱؛ خاطر جمع بودن، زمین گیر شدن: ۱۸۵؛ زیر سر داشتن: ۱۳۴؛ نازکش: ۲۳۶؛ دل و زبان یکی بودن: ۲۱۵؛ گل کردن (شروع کردن): ۱۳۸؛ به گرد چیزی نرسیدن: ۷۴؛ دل مرده: ۲۰۸؛ دل سرد شدن، ساده لوح: ۲۴۷؛ آه در بساط نداشتن، آب سرد بر سر ریختن: ۱۳۳؛ آب از سر گذشتن، جادادن: ۳۰؛ لب تر کردن، روسفید شدن: ۱۵؛ کوتاهی نکردن: ۲۴۳ و ...

۲-۳-۳- بازتاب فرهنگ عامیانه ایرانی در شعر بینش

در بررسی اشعار بینش، علاوه بر اینکه وی محیط و فضای محلی و ایرانی را در نظر داشته است، ذکر بعضی از روش‌های فرهنگی نیز دیده می‌شود؛ به عنوان مثال با اشاره به یک شعر وی، یکی از این روش‌های یادآور می‌شود. «وقتی بود که بعضی از مردم دیار ایران زمین، اگر می‌خواستند کاری یا امری را در حافظه خود نگاه دارند، یک دو و جب نخ می‌گرفتند، روی یکی از انگشت‌های خود می‌تاییدند یا دستمال یا گوشه لباس خود را گره می‌زدند. بینش از این سنت استفاده کرده و معنی تازه‌ای به وجود آورده است» (یزدانی، ۱۳۷۲: ۳۲۰ و ۳۲۱). امروزه نیز این فرهنگ در برخی مناطق روستایی ایران، به خصوص در بین کهنسالان مرسوم است. بیت دوم به این باور قدما اشاره دارد که پریدن پلک چشم را علامت دیدن دوست و آشنا می‌دانستند و می‌گویند: اگر دریا میل (هوای) دیدن تو را نمی‌داشت، نمی‌پرید.

رشته آه به انگشت نفس می‌بندم
تا ز یادم نرود زلف گره گیر کسی
(بینش: بی تا، [۲۴۸-])

بیت دوم به این باور قدما اشاره دارد که پریدن پلک چشم علامت دیدن دوست و آشنا است و می‌گویند: اگر دریا میل (هوای) دیدن تو را نمی‌داشت، حبابش نمی‌پرید. سعدی گویند:

دیده‌ام می‌جست گفتندم بینی روی دوست
خود درفشان بود چشم کاندرا او سیماب داشت
(سعدی، غزل ۱۳۰)

و این نمونه از بینش:

دریا اگر نداشته باشد هوای تو چشم حباب یاد پریدن نمی‌کند

(بینش، بی‌تا: [۲۰۸-ر])

همچنین به زبان آوردن نام خداوند برای دفع چشم زخم. این سنت رایج نیز از قدیم تا به امروز همواره بر زبان کوچک و بزرگ جاری است؛ یعنی برای دفع چشم زخم «بنامیزد» و یا نام خدا را بر زبان می‌رانند: گفته‌ام که چشم بد دور بماند از چنین قامت رعنائی.

گر به سیر قامت او گفته‌ام نام خدا هر نفس از شوق در دل مد بسم‌الله شده

(بینش، بی‌تا: [۲۳۰-ر])

یا این سنت قدیمی شمع گذاشتن بر سر مزار؛ چنان که اسیر شهرستانی گوید:

از فرنگی نرگسی تیر نگاهای خورده‌ایم شمع سبزی بر سر سنگ مزار ما نهید

(قهرمان، ۱۳۷۰: ۲۸۴-۲۸۵)

کسی که کشته ابروی او مرا داند به‌جای شمع زند تیغ بر مزار مرا

(همان: [۱۴-ر])

این بیت شاید کمی متفاوت‌تر از بیت‌های قبلی در این بخش باشد، اما حیف است از این رسم زیبای نوروزی و ربطی که شاعر به زیبایی تمام، روی و موی محبوب را به بهار و بنفشه تشبیه کرده است، گذشت. در واقع شاعر به گل‌فروشان گل‌های بنفشه و نسترن در فصل بهار نیز اشاره دارد که امروزه نیز شاهد این بساط بنفشه‌فروشان در گوشه‌وکنار خیابان‌ها در نوروز هستیم و با این بیت زیبا می‌توان حال و هوا و رسم فصل بهار و نوروز دوره تیموریان را نیز در ذهن ترسیم کرد:

ای شام از بنفشه‌فروشان موی تو فیض بهار نسترن صبح روی تو

(همان: [۹۲-ر])

۲-۳-۴- نوروز

نگاه حکمرانان تیموری هند به جشن نوروز و اقدامات آن‌ها برای برگزاری یا عدم‌برگزاری مراسم این جشن، متأثر از طرز تفکر و اندیشه شاهان نام‌برده تیموری و اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار آن‌ها بوده است؛ چون جلوس بر تخت سلطنت در هنگام تحویل سال، بار عام‌دادن به امرا و منصب‌داران برای تبریک عید و تقدیم پیشکش، برگزاری جشن روز شرف، افزایش منصب

امرا و منصب‌داران در روزهای اول تا نوزده فروردین، اعطای خطاب و جاگیر و علم و نقاره به برخی از منصب‌داران را مورد توجه قرار می‌داد (لاهوری، ۱۸۶۷: ۱۸۶). بدین ترتیب اشاراتی نیز که بینش کشمیری در ارتباط با مراسم نوروز در جای‌جای اشعارش دارد، با تأثیرپذیری از این نوع فرهنگ رایج زمانه‌اش است که در اشعارش نمود پیدا کرده است:

روز نوروز است از شوق لب میگون او شیشه دل همچو مینا می‌کشد در بر شراب
(بینش، بی تا: [۴۳- پ])

نوبهار آمد که مستی گل کند دیوانه را کوه و صحرا شد ز موج لاله سرتاسر شراب
(همان: [۴۳- پ])

روز نوروز است باساقی بغل‌گیری خوش است گرچه می را همچو مینا می‌توان در بر گرفت
(بینش، بی تا: [۶۴- ر])

پیش رویت اشک را در دیده‌ام آرام نیست چون شود نوروز طفل از خانه بیرون می‌شود
(همان: [۹۷- ر])

ای شام از بنفشه‌فروشان موی تو فیض بهار نستر ن صبح روی تو
(همان: [۹۲- ر])

۲-۳-۵- علاقه‌مندی شاعر به اشعار شاعران پیشین ایرانی

خوانش اشعار بینش، گویای این حقیقت است که وی به دلیل دل‌بستگی به سرزمین آبا و اجدادی خویش و شاعران نامدار آن دیار، به‌خصوص نگاه ویژه‌ای که به شعر و سبک و سیاق نظامی و بعد از آن، حافظ، سعدی و خیام داشته، شعرش را به نسبت شاعران دیگر در این سبک، آشناتر و دلنشین‌تر کرده است. خمسه بینش که خود، آن را خمسه نامیده، کاملاً در همان وزن خمسه نظامی سروده شده است. ذکر نام چند مثنوی در شعر بینش، نشان از مطالعه شاعر در آثار پیشینیان و آگاهی و تجربه موردنیاز شاعر برای سرودن مثنوی است.

دیده ز تو مطلع انوار شد سینه ز تو مخزن الاسرار شد
تحفه احرار بود ذکر تو مصدر آثار بود فکر تو
بینش ابصار که نام‌آور است حمد تو را گنج پر از گوهر است
(همان: [۴۲- ر])

پری دختی، پری بگذار ماهی به زیر مقنعه صاحب کلاهی
(نظامی: ۱۳۸۲، ۵۰)

و بینش با الگو گرفتن از نظامی، دختر هندو را این‌گونه توصیف می‌کند.

پری رو دختری در پرده ناز به عاشق همچو فیض صیخ دمساز

(بینش، بی تا: [۸۴۲-ر])

ضمن آنکه در بررسی اولیه نسخه‌ها، اشعاری دیده شد که گویا شاعر به استقبال از خواجه شیراز، حافظ، سروده است (رک. اختیاری؛ مرادقلی، ۱۳۹۷: ۱۴)، چنانکه گفته‌اند: «غزل‌هایش که قسمت عمده دیوان او را تشکیل می‌دهد، بیشتر در جواب غزل‌های فارسی پس از زمان سعدی سروده شده‌اند» (انوشه، ۱۳۸۰، ۴: ۵۶۸).

نکته جالب این است که مضامین مورد استفاده بینش، تا حدودی با فکر و فلسفه خیامی احاطه شده است و به تکرار، مفاهیمی چون: شراب‌نوشی و غم‌زدایی، زودگذر بودن عمر و بی‌اعتباری جهان و خوش‌باشی در شعر بینش مشهود است:

په‌رواز نشاط را هوس کن په‌لوی ببط شراب بنشین

(بینش، بی تا: [۲۱۶-ر])

گوید مدام با لب پر خنده صبحدم سرخوش نشین که شادی عالم همین دم است

(همان، [۵۹-پ])

صراحی با لب خندان به اهل بزم می‌گوید که عالم گردش پیمان‌های بوده‌ست و من غافل

(همان: [۱۸۰-ر])

و در برخی اشعار، شاهد تعبیراتی از جنس شعر سعدی هستیم:

گرفته بی کمر نازکی دلم بینش که بار دوری او همچو کوه الوند است

(همان: [۵۶-ر])

نیز

باد است به گوش من نصیحت اندوه فراق کوه الوند

(سعدی: ۱۳۸۶، ۳۲۶)

و این غزل بینش، مطلع غزل معروف سعدی را به یاد می‌آورد:

به فلک می‌رسد از صافدلی ناز مرا گر دهد صیقل ابروی تو پرداز مرا

(بینش، بی تا: [۱۸-ر])

به فلک می‌رسد از روی چو خورشید تو نور قل هو الله احد چشم بد از روی تو دور

(سعدی: ۱۳۸۵، ۳۵۷)

۲-۴- معرفی اجمالی نسخ آثار بینش

۲-۴-۱- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Egertoo 705

نسخه کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Egertoo 705، شامل کلیات بینش است و هر صفحه آن ۱۴ بیت با فاصله ۲/۵ سانتی متر دارد. نسخه بریتانیا برخی از بیت‌های شاعر را ندارد؛ اما به نسبت نسخه‌های موجود دیگر، از قدمت و اصالت بیشتری برخوردار است و در میان نسخ خطی آثار بینش، اقدم، اصح و اکمل همه است. تاریخ کتابت و کاتب آن مشخص نیست، اما قراین نشان می‌دهد که این نسخه در قرن یازدهم و در زمان حیات شاعر کتابت شده است.

۲-۴-۲- نسخه شماره ۱۵۷۱

نسخه‌ای به شماره ۱۵۷۱، (براساس بیت‌شماری‌ای که انجام شد) حاوی ۳۶۹۸ بیت و متعلق به گنجینه دست‌نوشته‌های شرقی آکادمی علوم تاجیکستان است. این نسخه دارای کاغذ قدیمی و صالی شده است؛ صفحه اول سرلوحه، تصویر رنگی مذهب دارد و جلد ترنج آن نیز وصال شده است. کتابت آن به سال ۱۲۶۸ هـ.ق است.

۲-۴-۳- نسخه شماره ۶۴۵

نسخه‌ای به شماره ۶۴۵، شامل ۲۸۸۲ بیت و متعلق به دست‌نوشته‌های شرقی آکادمی علوم تاجیکستان است. این نسخه دارای جلد چرمی قدیمی و دوخته شده است و روی آن سه ترنج دیده می‌شود. کتابت این نسخه ۱۲۶۸ هـ.ق است.

۲-۴-۴- نسخه کتابخانه موزه سالار جنگ هند به شماره ۱۴۰۹

نسخه کتابخانه موزه سالار جنگ هند به شماره ۱۴۰۹ که با خط نستعلیق واضح نوشته شده و عناوین آن به رنگ قرمز و دارای لکه رطوبت است و افتادگی دارد.

۲-۴-۵- نسخه کتابخانه بانکپور به شماره ۳۳۹

نسخه‌ای در کتابخانه بانکپور به شماره ۳۳۹، با خط نستعلیق منظم و عالی که تنها شامل قصاید و غزلیات شاعر است؛ تعداد برگ‌های آن ۵۹، دارای ۱۵ سطر و اندازه آن ۶/۵×۹ و ۴×۷ است. این نسخه در ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۴ هـ.ق، توسط کاتب کتابخانه، فضل‌الباری، به درخواست شهاب‌الدین خدابخش، دستیار کتابدار وقت، به رشته تحریر درآمده است.

۲-۴-۶- نسخه کتابخانه آکادمی سلیمانوف به شماره ۲۰۱/۱

تعداد برگ‌های این نسخه ۱۱۰ و اندازه آن ۲۰×۱۲ است. این نسخه با مرکب سیاه و خط نستعلیق ریز نوشته شده و دارای جلد سخت چرمی با نقش‌ونگار است و پایان ندارد.

۲-۴-۷- نسخه‌ای در تاشکند

نسخه‌ای دیگر در تاشکند است که با خط نستعلیق واضح روی کاغذ ضخیم نیمه‌ابریشمی کرمی‌رنگ نگاشته شده است. متن در قالبی از خطوط رنگارنگ و طلائی محصور شده و نسخه پایان ندارد.

درضمن، شماره‌های ۱، ۲ و ۳، به ترتیب نسخه‌های برگزیده شده برای انجام این پژوهش بود.

۳- نتیجه

بینش کشمیری در سرزمین کشمیر متولد شد و در هند زیسته و در همان کشمیر درگذشته است؛ با این وجود فرهنگ و اندیشه‌های ایرانی در شعر او تأثیر فراوانی داشته است. اشعار وی گویای احساس والا و علاقه‌ای ژرف نسبت به زبان و فرهنگ ایرانی است و به‌عنوان پیشگامی راستین و وفادار به اصالت، اندیشه‌های ایرانی را در اشعارش انعکاس داده است. درک عمیق، دقیق و سنجیده بینش از مفاهیم و اصطلاحاتی که در شعرش به کار برده است، نمایانگر تسلط و اشراف او بر فرهنگ، زبان و دانش ایرانی است و شاهدهی بر همان علاقه‌مندی است که پیشتر در مورد آن گفته شد. وی در اشعار خود بارها از برخی شهرها و اماکن جغرافیایی سرزمین ایران یاد کرده است؛ سرزمینی که حتی تا لحظه مرگ نیز به چشم ندیده است. همچنین یادآوری برخی رسوم همچون جشن‌های نوروزی، باورهای عامیانه‌ای که در فرهنگ ایرانی رایج بود، توجه بسیار به شاعران پیشین سبک خراسانی و عراقی و غیر آن، همه‌وهمه نشانگر شناخت عمیق شاعر از ایران و علاقه به موطن نادیده خویش است. احتمالاً اجداد بینش از آن دسته ایرانیان مهاجری باشند که در زمان بابر در منطقه جنوب هند سکونت گزیدند؛ یعنی دکن و آگره و طبیعتاً به‌علت علاقه فراوانی که فرمانروایان این منطقه به ایران و مذهب شیعه داشتند، رنگ‌وبوی فرهنگ ایرانی کم‌کم همه آن سرزمین را فراگرفته است؛ تا آنجایی که دربار آنان مملو از ادیبان، شاعران، دانشمندان و رجال ایرانی شده بود. در واقع دکن، دهلی و آگره در زمان حکومت تیموریان هند، یعنی از بابر و همایون و اکبر تا آخرین سلاطین این سلسله، مهم‌ترین مراکز فرهنگ اسلامی ایرانی هند بودند. پس می‌توان علت عجیب بودن این همه اندیشه و فرهنگ ایرانی در وجود بینش را محیطی که در

آن زندگی کرده و ارتباط با ایرانیانی که ساکن آنجا بودند یا به‌عنوان مسافر به آن سرزمین می‌آمدند، دانست که کنجکاوی و علاقه‌مندی بینش به فرهنگ و دیار آبا و اجدادیش، وی را به تفحص در مورد فرهنگ گذشتگانش وامی‌داشت و به این ترتیب شعرش موجب به‌تصویردرآوردن غیرمستقیم گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و فکری زمانه تیموریان هند نیز شده است. شناخت اندیشه‌های بینش کشمیری موجب درک بهتر حلقه‌های مفقوده شعر و فرهنگ فارسی است.

۴- منابع

۱. آزند، یعقوب، تیمور گورکان، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۸، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلام، ۱۳۸۳.
۲. اختیاری، زهرا؛ سهیلا مرادقلی، معرفی نسخه‌خطی بینش کشمیری و تحلیل آثار و اشعار او، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۲۰-۱، دکتر امید مجلد: پاییز ۱۳۹۷.
۳. اصلح بن سالم کشمیری، تذکره شعرای کشمیر، تصحیح و حواشی سید حسام‌الدین راشدی، کراچی: اقدام آکادمی، ۱۳۴۶.
۴. انوشه، مزدک، دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره، جلد ۴، بخش ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۸۰.
۵. بینش کشمیری، میرجعفر بیگ، کلیات بینش، نسخه‌خطی، کتابخانه موزه بریتانیا به شماره ۷۰۵، بی‌تا.
۶. تیکو، گ. ل، برگزیده از پارسی‌سرایان کشمیر، تهران: انتشارات انجمن ایران و هند، ۱۳۴۲.
۷. خوشگو، بندر ابن داس، سفینه خوشگو، جلد ۲، تصحیح سید کلیم اصغر، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۸. رازپوش، شهناز، تاریخ تیموریان؛ دانشنامه جهان اسلام، جلد ۸، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۳.
۹. سعدی، مصلح‌الدین. غزل‌های سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۵.

۱۰. شاهین، مهدی؛ توسلی، سینا، بررسی روابط ادبی، تاریخی ایران و شبه‌قاره در دوران آصف‌جاییان هند و تالپوران سند، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، شماره ۳۳، صص ۱۳۶-۱۵۷، دانشگاه سیستان و بلوچستان: زمستان ۱۳۹۶.
۱۱. شریفی، محمدرضا، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو، انتشارات معین، ۱۳۸۷.
۱۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵/۲، چاپ دهم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۴.
۱۳. قهرمان، محمد، مجموعه رنگین گل، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۷.
۱۴. گویاموی، محمد قدرت‌الله، تذکره نتایج الافکار، چاپ پانزدهم، بمبئی: نشر اردشیر بنشاهی فرزند خدارحم مرزبان اله‌آبادی، ۱۳۳۶.
۱۵. لاهوری، عبدالحمید، بادشاهنامه، تصحیح کبیرالدین احمد، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله، ۱۸۶۷.
۱۶. مهروش، فرهنگ، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۷. نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲.
۱۸. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان، تذکره مخزن‌الغرائب، به اهتمام محمد باقر، لاهور، ۱۹۶۸.
۱۹. یزدانی، خواجه حمید، نخستین سخنرانی‌های سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه‌قاره، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۷۲: صص ۳۱۷-۳۳۲.
20. Noth. Winffried. **Semiotics of ideologe in semiotica**, 2004, ¼. Pp. 148. 2004.
21. Rieu, Charles. **Catalogue of The Persian Manuscript in The British Museum**, keeper of the oriental mss, volume 2, published by the Trustees of the British museum, London, 1966.
22. Routledge, Kegan paul, etidet by Ehsan Yarshater, **“Bayju- carpets”**, **Encyclopedia Iranica**, Volume 4. London and New York: Kegan paul, 1990.